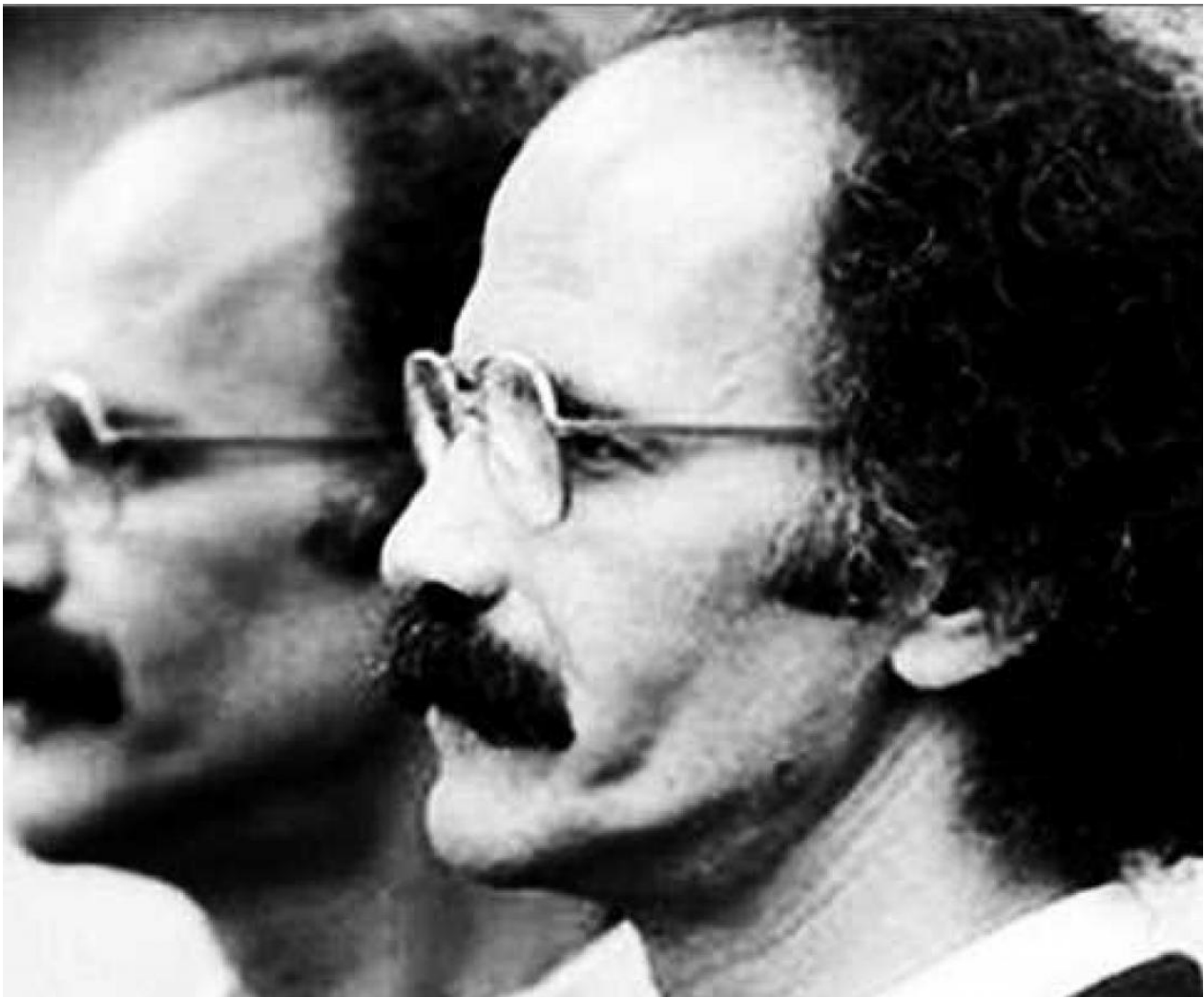


بیستمین سال درگذشت گلشیری؛ داستان نویس و روشنفکر خستگی ناپذیر

آثار مختلف گلشیری در نثر طعم و رنگی متفاوت دارند و هر کدامشان گویی برگرفته از دوره‌ای خاص از نثرنویسی ادبی ایران است

۱ حسن امرایی

شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۹ برابر با ۶ ژوئن ۲۰۲۰



شور و عشق معلمی در گلشیری، سبب شد تا حلقه‌های ادبی گرد او بسیار تاثیرگذار و جریان‌ساز شوند- عکس از پایگاه خبری انصاف

برخی چهره‌های هنری، ادبی و فرهنگی تاثیراتی برجای می‌نهند که به دوران حیات آنها منحصر و محدود نمی‌ماند، بلکه هر چه از مرگ فیزیکی آنها زمان بگذرد، گویی وجوه گوناگون شخصیت ادبی و فرهنگی آنان جلوه و جلای بیشتری می‌یابد و پس از مرگ زندگی تازه‌تری را در فضا ادبی و فرهنگی آغاز می‌کنند.

در فضای ادبی ایران معاصر و به خصوص در عرصه داستان‌نویسی صادق هدایت چنین ویژگی‌ای داشت که آثارش بعد از او بسیار شناخته شدند و هنوز محل بحث و نقد و فحص قرار می‌گیرند. اگر چه گلشیری تنها ادیب و داستان‌نویس نبود، بلکه روشنفکری آگاه به مسائل مبتلابه جامعه بود که در تمامی سال‌های حیاتش، نستوه و خستگی‌ناپذیر فعالیت می‌کرد.

در دو دهه اخیر نیز هوشنگ گلشیری نمونه‌ای مثالزدنی است از داستان‌نویسی که اقبال به آثار و فعالیت‌های ادبی و روشنفکری‌اش هر روز فزونی بیشتری می‌گیرد؛ او بی‌که ۱۶ خرداد ۲۰ سال قبل بر اثر بیماری مننژیت در بیمارستان ایران مهر درگذشت و دو روز بعد (چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۷۹) در آرامستان امامزاده طاهر به خاک سپرده شد.

گلشیری آنچنان که در گفت و گوهای مختلف بیان کرده است، در تمامی سال‌ها زندگی سخت و پرفراز و نشیبی داشته است. چه در کودکی و چه در سال‌های نوجوانی که مقیم آبادان شد و چه بعدتر و در زمانی که به اصفهان کوچید و کسوت معلمی به خود گرفت و برای کسب معاش، روزانه با دوچرخه‌ای سی کیلومتر را طی می‌کرد تا به روستای فلاورجان برسد و درس دهد.

در همان سال‌ها بود که او به واسطه دوستی که معلم ورزش مدرسه بود، رمان‌خوانی را شروع کرد و با همان واسطه به یکی از مهمترین حلقه‌های ادبی اصفهان به نام "انجمن صائب" پیوست. چندی بعد جوانان این انجمن، با جداشدن از جمع سنت‌گرایان، گاهنامه جنگ اصفهان را منتشر کردند. ۱۱ شماره این نشریه از تابستان ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۶۰ منتشر شد.

به نوشته حسن میرعبدینی، "جنگ اصفهان نشریه ادبی تاثیرگذاری در روند مدرنیسم ادبی ایران بود، زیرا نویسندگان آن توجهی خاص به رعایت صناعت داستان نو داشتند" (مدخل هوشنگ گلشیری در جلد پنجم دانشنامه زبان و ادب فارسی)

زندگی او اما در اینجا آرام نگرفت و شروع تلاطمی دیگر بود که به آشنایی‌اش با جریان‌ات سیاسی چپ و حزب توده و زندانی شدنش انجامید. چنانکه خود در گفت و گویی رادیویی (مهر ۷۸) اشاره کرد، همراه ۹۰ نفر دستگیر شد. در زندان فضایی را تجربه کرد که آشنایی با سرژ استپانیان (مترجم نامی آثار روسی) از جمله آنها بود. محیط زندان او را به درکی رساند که بعدها فعالیت سیاسی را به کناری نهاد، اگر چه همین تجربه‌های کوتاه زندان را در داستان "هر دو روی سکه" و نیز "عکسی برای قاب عکس خالی من" منعکس کرد.

از شازده احتجاج تا شاه سیاهپوشان

رمان شازده احتجاج مهمترین اثر و معروفترین رمان گلشیری است که به گفته گلشیری در همان گفت و گوی بلند و بی‌بی‌سی، ذره ذره آن در حلقه اصفهان خوانده و حک و اصلاح شد و سپس ابوالحسن نجفی آن را به تهران آورد. آن سال‌ها رضا سیدحسینی به عنوان ویراستار با انتشارات زمان همکاری می‌کرد و خواندن کتاب شازده‌احتجاج به عهده او نهاده شد. گلشیری می‌گوید وقتی کتاب را خواند با ابوالحسن نجفی تماس گرفت و گفت این کتاب شاهکار است. نویسنده‌اش کیست؟ که نجفی پاسخ داد همان کسی که داستان کوتاه دخمه را نوشت.

این رمان در همان سال‌ها مورد توجه بهمن فرمان‌آراء قرار گرفت و فیلمی از آن ساخته شد که جایزه بهترین فیلم سال ایران را نیز نصیب کارگردان کرد.



فرزانه طاهری، رئیس بنیاد هوشنگ گلشیری

بعد از انقلاب و تا سال‌ها رمان ممنوع‌الانتشار بود. سال ۶۸ یکبار تجدید چاپ شد و مجدداً به محاق رفت تا دوره سید محمد خاتمی که تا پیش از سرکار آمدن احمدی‌نژاد ۱۴ بار تجدید چاپ شد. در دوره احمدی‌نژاد اما رمان دوباره توقیف شد و حتی در دوره اول ریاست جمهوری روحانی اجازه انتشار نیافت تا سال ۱۳۹۷ که انتشارات نیلوفر آن را برای بار پانزدهم در تیراژی بالای ۴ هزار نسخه منتشر کرد.

بعدها و به دلیل آنچه که فضای سانسور و ممیزی در ایران نام گرفت، عملاً کتاب‌های مهم گلشیری فرصت انتشار در داخل را پیدا نکردند. به همین دلیل او ترجیح داد آثارش را در خارج از ایران منتشر کند. نمونه آن رمان "جن‌نامه" بود که در خارج از ایران منتشر شد و یا رمان "شاه سیاهپوشان" که روایتی از دوران زندان بعد از انقلاب است. شاه سیاهپوشان ابتدا با ترجمه عباس میلانی به انگلیسی منتشر شد و نویسنده اصلی آن معرفی نشد. پس از درگذشت گلشیری نسخه فارسی کتاب به نام گلشیری در خارج از ایران منتشر شد و بسیاری دریافتند که نویسنده اصلی کتاب گلشیری بوده است.

نگاه به ادبیات کهن به عنوان منبعی برای خلق فرمی ویژه در روایت داستان ایرانی

وسوسه ذهنی شناخت آیین‌ها، و بازخوانی متون کهن برای تدریس، گلشیری را به تعمق و باریک‌اندیشی در نوع روایت در متون کهن ایران برانگیخت. او بر آن بود که، برای درک نوع نگاه پیشینیان خود به جهان، باید در پی کشف شیوه‌های روایی آنان باشیم و، برای پدید آوردن داستان ایرانی بهتر است که به جای تقلید از شیوه کار نویسندگانی از قبیل رومن رولان، به سرچشمه‌های ادب خودی بازگردیم و با تلفیق خلاق روایت بومی با دستاوردهای جهانی داستان‌نویسی، طرحی نو در اندازیم" (میرعابدینی-ص ۵۳۱)

گلشیری در یکی از آخرین گفت‌وگوهایش نیز بر این نکته تأکید کرده بود که "اگر رئالیسم جادویی شیوه خاص آمریکای لاتین است، ما هم می‌توانیم شیوه خاص خودمان را داشته باشیم، برگرفته از قرآن، اوستا، بحارالانوار، تذکره الاولیا و... مثلاً شیوه روایت حدیث، در مورد امام صادق می‌گوید: فلان کس گفت که شنیدم از فلان کس که شنید از فلان کس... این شیوه یعنی تکه تکه گفتن و این تکه تکه‌ها را کنار هم گذاشتن. این داستان ایرانی است که ریشه‌های آن در کتب کهن ماست و این کاریست که من تا زنده هستم می‌خواهم انجام بدهم و اگر موفق نشوم خواهم نوشت که دیگران باید چه کار کنند." (نشریه دنا- شماره ۸ مهر ۷۹)

و به همین دلیل است که آثار مختلف گلشیری در نثر طعم و رنگی متفاوت دارند و هر کدامشان گویی برگرفته از دوره‌ای خاص از نثرنویسی ادبی ایران است.

او در این زمینه حتی جست و جوگری در متون عربی و به خصوص قرآن را از چشم دور نداشت. نقدی که او بر ترجمه فارسی قرآن به‌الدین خرمشاهی در روزنامه سلام سال‌های میانی دهه هفتاد نوشت و نیز پاسخ خرمشاهی به او و سپس، ادامه یافتن این مناظره قلمی، نشان داد که گلشیری تا چه اندازه در کشف راز و رمز متون کهن دقیق شده و در این

اقیانوس شناگری کرده است.

به باور رضا براهنی، در یادداشتی برای دهمین سال درگذشت گلشیری در سایت بی‌بی‌سی فارسی، او "در قصه بلند کار بدیع کرده است، که حاصل کار شازده احتجاب است، و به نوعی آینه‌های درداری، که در حد وسط بین قصه کوتاه بلند، و هم از نوع رمان از سویی دیگر، راقم نوعی ادبی بود است"

فعالیت مستمر در مقام منتقد

وجهی دیگر از شخصیت گلشیری را باید در مطبوعاتی بودن و نقادی او نسبت به جریان‌های ادبی جست و جو کرد. این وجه از فعالیت او تقریباً در تمامی سال‌های حیاتش با او همراه بوده است. گلشیری از همان سال‌هایی که در اصفهان جنگ اصفهان را راه‌اندازی کردند، تا سال‌های بعد که در نقد آگاه می‌نوشت و تا بعدها که مستقلاً مجله کارنامه را راه‌انداخت، کار مطبوعاتی را یکی از دلمشغولی‌های اصلی خود می‌دانست.

در واقع مطبوعات برای او روزه‌ای بود تا آنچه را که در حلقه‌های ادبی و فرهنگی به کار می‌گرفت و تولید می‌کرد، انتشار دهد.

جلسات داستانخوانی هوشنگ گلشیری خود حکایتی ویژه دارد. او در داستانخوانی چنان از دست و دیگر اعضای بدنش بهره می‌برد که مخاطب حس می‌کرد داستان را زندگی می‌کند.

شور و عشق معلمی که در او وجود داشت، سبب شد تا حلقه‌های ادبی گرد او بسیار تاثیرگذار و جریان‌ساز شوند.

این اندیشه‌ها در کارگاه‌های قصه‌خوانی او، نقد و بررسی‌هایی که در آن جلسات انجام می‌شد، ایده‌هایی که شاگردانش مطرح می‌ساختند، طرح و پخته و در قالب یادداشت و نوشته منتشر می‌شد و چون حجم این آثار به اندازه‌ای بود که نشریات دیگر فضای کافی برای انتشار این آثار را نداشتند، لذا خود گلشیری در سال‌های آخر حیاتش با راه‌اندازی نشریه کارنامه و مدد گرفتن از همسرش، فرزانه طاهری، جریانی مستقل در نقد و بررسی‌های ادبی را ایجاد کرد.

گلشیری در نقد بسیار بی‌گذشت بود و نقدهایش سبب می‌شد تا حتی دوستان نزدیکش نیز از او آزرده‌خاطر شوند.

برای نمونه از میان آثار دولت‌آبادی تنها جای خالی سلوچ را می‌پسندید و کلیدر را رمانی با صفحات بسیار اضافی می‌دانست، همچنان که درباره رازهای سرزمین من رضا براهنی نیز چنین نظری داشت و از نوشته‌های احمد محمود نیز سخت انتقاد می‌کرد و به جز سوشون بقیه آثار سیمین دانشور را بر نمی‌تابید.

مبارزه خستگی ناپذیر با سانسور

وجهی دیگر از شخصیت گلشیری را باید در مبارزه او با سانسور و دفاع از آزادی بیان دانست. او از همان سال‌های جوانی سری پرشور داشت و چندین بار به زندان شاه افتاد. در اوایل انقلاب و با وقوع انقلاب فرهنگی از دانشگاه تسویه شد و به اجبار به کار در خانه پرداخت اما همه‌گاه یکی از مدافعان سرسخت آزادی بیان و مخالفان جدی و موثر سانسور بود. عضویت در کانون نویسندگان و دبیری این کانون در سال‌های آخر عمرش، که مصادف با قتل‌های زنجیره‌ای شد، نمونه‌ای از شجاعت مدنی او در مصاف با دستگاه سانسور به شمار می‌رفت.

او بارها در گفت و گوهای مختلف، از جمله گفت و گوی بلندی که با نشریه آدینه (آدینه ویژه گفت و گو - شهریور ۱۳۷۲) داشت، تأکید کرده بود که کتاب‌ها نباید قبل از انتشار بازخوانی و یا سانسور بشوند و هر اتفاقی اگر قرار است بیفتد و هر کسی اعتراضی نسبت به محتوای کتاب‌ها دارد باید با طی مسیری قانونی و در مقابل هیات منصفه‌ای صالح شکایت خود را مطرح کند.

بر سر آثار گلشیری چه آمد

پس از درگذشت هوشنگ گلشیری، همسرش بانی ایجاد بنیادی به نام گلشیری شد. این بنیاد تا چند سال اخیر بانی برگزاری جایزه سالانه گلشیری بود که از سال ۷۹ راه‌اندازی شد و سیزده دوره دوام آورد، اما در مرداد ماه ۱۳۹۳ دست‌اندرکاران بنیاد گلشیری و جایزه اعلام کردند توان ادامه این مسیر را ندارند.

جایزه گلشیری در دوره برگزاری اش به اعتباری ویژه رسیده و از جمله موفق‌ترین جایزه‌های ادبی بخش خصوصی به شمار

می‌رفت که دو بخش رمان و مجموعه داستان هر سال را انتخاب و معرفی، و آثارشان را از طریق انتشارات نیلوفر منتشر می‌کرد. دست‌اندرکاران بنیاد گلشیری اعلام کردند که می‌خواهند انرژی خود را روی بروزرسانی سایت صرف کنند. سایت البته بروز است و بخش‌های متنوعی دارد و از این منظر از جمله موفق‌ترین سایت‌های چهره‌های درگذشته ادب و فرهنگ و هنر معاصر است اما در ایران این سایت فیلتر است و در دسترس نیست.

نمی‌توان از هوشنگ گلشیری و آثارش سخن گفت و از عباس میلانی یادی نکرد. میلانی چنانکه خود در مصاحبه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی، از جمله مصاحبه با تلویزیون اندیشه، بیان کرد، با گلشیری دوستی دیرینه داشت و آنها برای مدت هفت سال (سال‌های اول انقلاب) در حلقه‌ای کوچک و خانوادگی به صورت هفتگی جلسه داشتند و پس از صرف شام، اهل ادبیات جمع می‌شدند و به شکل حرفه‌ای کارهایی از نقد و بررسی تا بازخوانی متون را انجام می‌دادند.

این دوستی بعدها به کار گلشیری آمد و سبب شد تا میلانی ابتدا رمان شاه سیاهپوشان را برگردان انگلیسی کند و در چند سال اخیر نیز با امکاناتی که در بخش مطالعات ایرانی دانشگاه استنفورد تمهید کرده است، تمامی آثار و کتابخانه گلشیری و از جمله ۱۳۰ پرونده از دست‌نوشته‌های او را به این بخش منتقل کند.

در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۶ نیز سمیناری یکروزه در این دانشگاه درباره گلشیری برگزار شد که بهرام بیضایی نیز از سخنرانان این سمینار بود که از دوره دوستی خود با گلشیری در سال ۱۳۴۷ در اصفهان گفت. اما بعد از این سمینار خبر تازه‌ای در زمینه آثار گلشیری منتشر نشد. به نظر می‌رسد باید منتظر بود و دید دانشگاه استنفورد و بنیاد گلشیری، چه اطلاعات تازه‌ای درباره آثار و دست‌نوشته‌های منتشر نشده هوشنگ گلشیری در اختیار علاقه‌مندان آثار این چهره فراوان‌تأثیر داستان‌نویسی و ادبیات قرار می‌دهند.